

نشر خارجی

نگاهی به وضع مسلمانان در عرصه نشر دینی هند (۱)

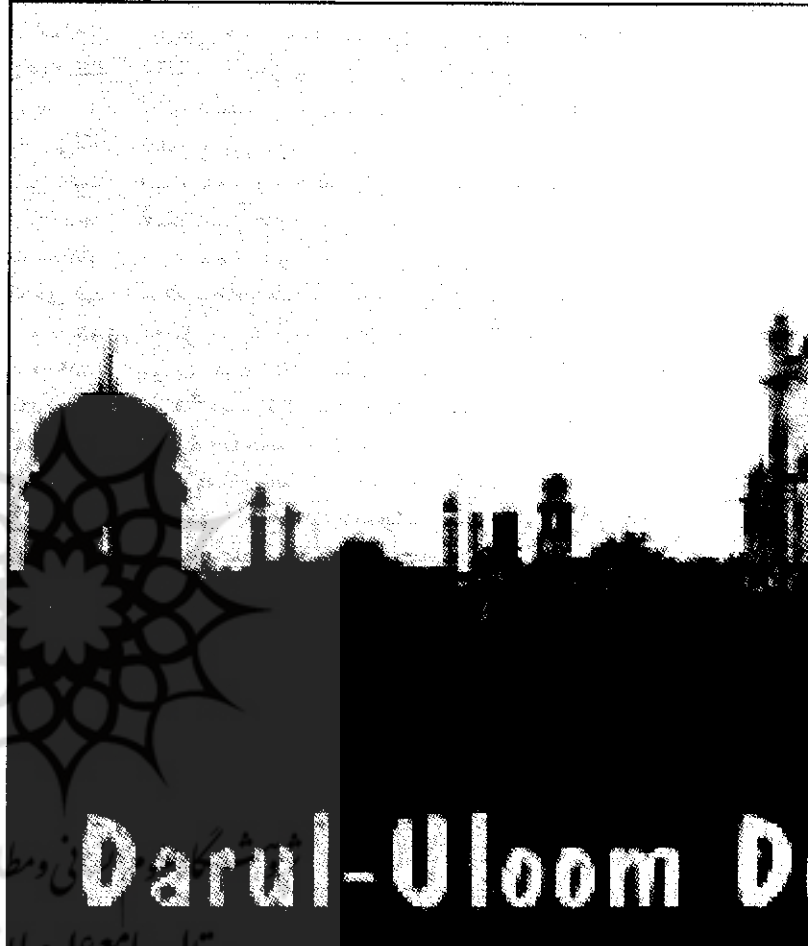
© حسین مطیعی امین

تکثر و تنوع دینی هند

در میان کشورهای جهان، هند بیشترین گستره دین و فلسفه را در خود جای داده است. ادیان و فلسفه‌های هند را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: ادیان و فلسفه‌های بومی مانند هندوئیسم، بودائیسم و جینیسم؛ اسلام؛ و مسیحیت. گفتنی است که ادیان و قوم‌هایی مثل یهودیان و زرتشتیان در هند حضور دارند، اما در مقایسه با اسلام و مسیحیت جمعیت ناچیزی تلقی می‌شوند.

هندوئیسم و شاخه‌های آن قدیم‌ترین و پرجمعیت‌ترین دین هند است که حدود ۸۴٪ از کل جمعیت هند را به خود اختصاص داده است. اسلام دومین دین پرجمعیت حدود ۱۲٪ جمعیت را دارد و مسیحیت سومین دین پرجمعیت حدود ۲/۱٪ هستند. یهودیان و زرتشتیان نیز در این سرزمین حضور دارند.

در طول اعصار مردم هند به خوبی توانسته‌اند با ادیان غیربومی سازگار شوند و به نوعی آن را با هندوئیسم هم‌رنگ سازند. اسلام به



مرکزی به هند منتقل کرد و پلی بود میان هندو و مسلمان - عبدالقدوس گنگوهی (درگذشت ۹۳۳) و شیخ احمد سرهندی (۹۳۵-۱۰۱۴) متبلور می‌شود.

درحقیقت اندیشه متصوفه در هند، تلفیقی از تاثیر سنت صوفیانه اسلام و سنت ودایی هندی است. و نهضت‌های فرهنگی - فلسفی در میان هندوان و مسلمانان ملهم از تعالیم یکدیگر است. برای مثال نهضت بهکتی^۱ که نهضتی هندویی است، با تاثیر از تعالیم اسلامی به ظهور می‌رسد و فرقه‌های صوفیانه در این سرزمین رنگ و لعاب هندی دارد. به قطع می‌توان گفت که متصوفه هندی با متصوفه جهان اسلام اگر در نام یکی باشند در عمل یکی نیستند. پس از ورود غزنویان به هند به تدریج هندوها به دستگاه‌های حکومتی مسلمانان وارد شدند. و روند دوستی میان مسلمان و هندو در دوره اکبر و حرکت دین الهی او، کامل و استوارتر شد و هندو و مسلمان چه از لحاظ دینی و چه از لحاظ سیاسی - فرهنگی در کنار هم قرار گرفتند.

عنوان دین غیربومی هند با بعد نظامی وارد شبه‌قاره هند شد، اما دوامی نیاورد. سکوت حضور اسلام تا تسلط نظامی حکومت غزنویان ادامه یافت. با سلطه غزنویان در هند، اسلام به طور رسمی به عنوان دین حاکم تثبیت شد و غوریان، ممالیک، خلجیان، تغلقیان، لودی‌ها و گورکانیان سلسله‌های مسلمانی بودند که به ترتیب بر هند حکمرانی کردند. سپس بریتانیا بر هند استیلا یافت و تا سال ۱۹۴۵ که هندوستان به استقلال رسید، سلطه خود را بر این سرزمین حفظ کرد.

درواقع، اسلام از یکسو به شکل نظامی و از سوی دیگر به شکل معنوی و از طریق صوفیان و داعیان مسلمان به شبه‌قاره هند راه یافت. بی‌تردید تاثیر عظوفت بزرگان تصوف که به این سرزمین وارد شدند و بالیدند، در رشد و گسترش اسلام در شبه‌قاره بسیار بیشتر از تاثیر حضور نظامی مسلمانان بود. تصوف هند با چهره‌هایی چون معین‌الدین چشتی (۵۲۷-۶۲۷) - که فرقه چشتیه را از آسیای

پاسخی به سلطه انگلیس و بازگشت به فرهنگ جامعه سنتی بود. در این فضا رهبران بنیادگرای هندو و مسلمان یک ریمان می‌تیندند و انگلستان از داخل و خارج سعی در تغییر جامعه سنتی داشت. طرف دیگر روشنفکران به ترویج فرهنگ انگلیسی اصرار داشتند، اما نه به قیمت نابودی همه موارث جامعه. در میان مسلمانان، رهبری سیداحمدخان و اصلاحات ولی‌الله دهلوی^۲ که سیداحمدخان نیز بدان اعتقاد داشت حائز اهمیت است.

سیداحمد خان^۳ به تبع آموزش غربی و با هدف احیای موارث اسلامی، کالج علیگره را در سال ۱۸۷۵ بنیان گذاشت. گفتنی است که این حرکت میان هندوان با تأسیس کالج بنارس با هدف احیای موارث هندی تکرار شد.^۴ سیاست بریتانیا در این سال‌ها تقویت طبقه تحصیل کرده بود. الطاف حسین حالی (۱۸۳۷-۱۹۱۴) در جریان تجددخواهی به سمت نظریه‌پردازان انگلیسی رفت و در شعر بلندی به نام مد و جز اسلام، اشعار و قصاید بسیاری را محکوم کرد. چراغ علی (۱۸۴۴-۱۸۹۵) نویسنده مسلمان هندی از اصلاح‌طلبان عثمانی دفاع می‌کرد. اندیشمند شیعی امیرعلی (۱۸۴۹-۱۹۲۸) صاحب کتاب روح اسلام (spirit of Islam)، نذیراحمد (۱۸۳۰-۱۹۱۲) و شبلی نعمانی در تلفیق فرهنگ سنتی و غربی کوشیدند.

آن سوی آموزش غربی، آموزش سنتی مسلمانان قرار داشت. در سال ۱۸۶۷ گروهی از عالمان دینی در شهر سهارانپور (ایالت اوتارپرادش) مدرسه دثوبند^۵ را تأسیس کردند. این مدرسه به شدت تحت‌تأثیر شاه ولی‌الله بود (اما در اوایل قرن بیستم به سمت وهابیان هند مایل شد). تأسیس این مدرسه در حقیقت حرکتی برخلاف کالج دهلی و کالج علیگره بود و به انگیزه بازگشت به سنت‌های اسلامی با نگرشی کاملاً ضدانگلیسی بنیان گذاشته شد. از اقدامات دیگر مسلمانان در فضای مجادله با اصلاحات علیگره و گروه‌های نوگرای هندو مانند آریاسمج و نهضت میرزا غلام احمد پنجابی^۶ (۱۸۳۹-۱۹۰۸)، مدارس چون ندوةالعلماء^۷ مدرسه فرنگی محل و مدرسه بریلوی تأسیس شدند. این سال شمال هند عرصه مناقشه و کشمکش میان سنت و تجدد بود و مسلمانان در این منطقه چه در آن زمان و چه بعد از آن در حوادث روی داده آن سال‌ها نقش مهمی داشتند. با وجود تلاش‌های مسلمانان، هرچه به سده بیستم نزدیک‌تر می‌شد با آن که تقلائی مسلمانان افزون می‌گشت اما سبطره و توان تأثیرگذاری آنان رو به زوال می‌رفت.

در سال ۱۹۰۰ ایالت اوتارپرادش کاملاً شکل هندو به خود گرفت و الفبای دیوتوگرایی که از خطوط وابسته به سانسکریت است خط رسمی شد. فرهنگ و زبان چندصدساله مسلمانان از عرصه اجتماعی حذف شد و جز چند بنای تاریخی - اسلامی و زبان اردو که زبان مسلمانان بود و حفظ آن جنبه سیاسی داشت، چیزی از نمادهای مسلمانان باقی نماند.

به تدریج بعد از دوره اکبر به علل سیاسی و نظامی و تعصب‌ورزی برخی از آخرین پادشاهان سلسله گورکانی و سلطه بریتانیا، اسلام از جامعه روشنفکری اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم رخت بست. بدین معنا که گسترش اسلام بعد از قرن نوزدهم کوششی برای اعتبار بخشیدن مجدد به جامعه مسلمانان بود. شاه ولی‌الله دهلوی (متوفی ۱۱۷۶ ق) مهم‌ترین شخصیتی است که سعی داشت برای احیای نفوذ اسلام در شبه‌قاره، شاهدگان مسلمان را متوجه علما کند و علما را از فقه تقلیدی و کورکورانه به سمت فقه محققانه ببرد؛ اما این کوشش‌ها نیز محالی نداشت و جامعه هند علقه‌های خود را با غرب محکم می‌کرد و هندو و مسلمان شیفته فناوری و اندیشه مسلط غرب می‌شدند. معروف است که سیداحمدخان در سال ۱۸۵۲ از غالب دهلوی خواست که مقدمه‌ای بر تصحیح آیین اکبری وی بنویسد. غالب پاسخ داد در جایی که «آقایان» انگلیسی دستاوردهای بزرگی چون هلی‌کوپتر و قطار و... دارند، ما نباید به کاغذهای کهنه قدیمی بپردازیم. مردم هند، حتی برخی از فرهیختگان این سرزمین، پیشرفت «آقایان» انگلیسی را به هوش و استعداد آنان نسبت می‌دادند و علت عقب‌افتادگی خود را در ناتوانی ذهنی خود جست‌وجو می‌کردند.

طبقه اجتماعی اشراف^۲ و تسلط همه‌جانبه انگلیس و فقر و گرسنگی مردم، تحصیل‌کردگان هندو و مسلمان را به سمت فرهنگی درآمیخته از سنت هندی و فناوری غربی سوق می‌داد. نخستین موسسه تحصیل‌کردگان هند به نام «کالج دهلی» به سال ۱۸۲۵ در دهلی تأسیس شد. مسئولان این کالج، شیوه‌های متعارف مدرسه‌های علمیه را کنار گذاشتند و برای اداره امور کارمندان، برنامه‌های درسی، کلاس‌های درس و امتحانات جدیدی پی‌ریختند. در این کالج شورش‌های ضدانگلیسی تقبیح می‌شد و استاد و شاگرد در حلقه اصلاح‌طلبان بودند.

سقوط حکومت گورکانیان و آغاز دوره جدید

در سال‌های ۱۸۵۷-۱۸۵۸، حکومت گورکانیان و سلطه کمپانی هند شرقی در هند پایان یافت و فرمانروایی بریتانیا با چهره دیگری در شبه‌قاره رخ نمود. فضای اجتماعی، دینی و فرهنگی به امید آنکه سلطه بیگانه بر سرزمین هند ابدی نیست، راه می‌گشود. بیگانه‌ای که نیروی خارق‌العاده‌ای ندارد و از فرهنگ و ارزش‌های هند چیزی نمی‌داند. در این سال‌ها اشراف مسلمان، جانشینان امپراتوری مغول تلقی می‌شدند و مورد انتقام‌جویی قرار می‌گرفتند، در نتیجه عده‌ای از ملاکان و نواب مسلمان به مناطق امن خارج از امپراتوری انگلیس هزیمت کردند. گفتنی است که همین آریستوکرات‌ها حامیان توسعه آموزشی و فرهنگی بودند. بدین ترتیب رهبران بنیادگرا به دو دسته مذهبی هندو و مسلمان تقسیم شدند و البته قید مذهب درحقیقت



سده بیستم و جدایی مسلمانان از هند

عثمانی، رهبران مذهبی را تحت فشار می گذاشت. این فشار و تعدی موجب مخالفت با بریتانیا شد. در پاسخ به این تعدی بریتانیا، نهضتی به نام نهضت خلافت به راه افتاد که سلطان عثمانی را خلیفه همه مسلمانان معرفی می کرد. بعد از براندازی خلیفه گری عثمانی توسط سیاست های جدید آتاتورک، گروهی، به پیروی از سیاست های آتاتورک، از شکل جدید ملی گرایی دانشگاه مسلمانان علیگره که با ایده الیسم گاندی حرکت می کرد، خارج شدند و دانشگاه جامعه اسلامی را بنیاد نهادند. اصلاحات رهبران سیاسی مسلمان با تاکید بر حفظ علایق مسلمانان پیش می رفت. در پنجاب و بنگال نیز حزب های ملاکان ظهور یافتند که بر طبقه اجتماعی بیشتر تاکید داشتند تا علایق مذهبی. این فضا اصطکاک میان مسلمانان و هندوان را بیشتر می کرد. حرکت های اسلامی با تلاش بیشتر به حفظ سیاست های خود پرداختند و نهضت هایی به راه انداختند که تا به امروز نیز در شبه قاره نفوذ دارند؛ از جمله «جماعت علمای هند» (۱۹۲۱)، این گروه که بیشتر اعضای آن از دارالعلوم دثوبند و مخالف جدایی هند بودند، بر آموزش سنتی تاکید داشتند؛ «تبلیغی جماعت» (دهه ۱۹۲۰)، این گروه با هدف جذب ادیان دیگر به اسلام در دهلی بنیان گذاشته شد و به دارالعلوم دثوبند وابسته بود؛ «جماعت اسلامی» (۱۹۴۱)، مؤسس این بنیاد ابوالاعلی مودودی از تحصیل کردگان

در اوایل سال های سده بیستم سه موضوع سیاسی باعث شد که مسلمانان اندک اندک از هم جدا شوند و شبکه های تحصیل کردگان سیاسی مسلمان قدرت بگیرد. اول، در سال ۱۹۰۵ دولت هند طرحی ارائه داد که بر اساس آن قسمت اعظمی از ایالت بنگال به دو ایالت تقسیم می شد که نیمه شرقی آن تحت نفوذ مسلمانان قرار می گرفت. ملی گرایان بنگالی به مخالفت با این طرح پرداختند و مسلمانان که فرصت خوبی یافته بودند در مقام دفاع برآمدند. دوم، راه یافتن نواب و آریستوکرات ها در بدنه مشاورت های حکومتی و احراز جایگاه های خاص در قدرت سیاسی بود. سومین موضوع، مسئله سیاست پان - اسلامی بود که از خارج از هند، به ویژه با تبلیغات سیدجمال الدین اسدآبادی، تقویت می شد. سیدجمال چندین بار به هند سفر کرد و برای ایجاد مناسبات میان علما و رهبران تحصیل کرده سکولار فعالیت کرد. با جنگ جهانی اول این همبستگی میان مسلمانان بیشتر شد. انتشار کتاب و روزنامه در این میان نقش بزرگی داشت. با اضمحلال امپراتوری عثمانی و پایان یافتن جنگ جهانی اول، توقع رهبران سیاسی هند نسبت به قول های بریتانیا افزایش یافت. از سوی دیگر، بریتانیا با پیروزی بر



آندراج، هفت قلم، دواوین شاعران مثل شاهنامه دیوان حافظ، امیرخسرو و جز آن در چاپخانه‌های او چاپ شد. منشی نول کشور با روشنفکران هم‌دوره خود مانند غالب دهلوی، سیداحمدخان، سالارچنگ حیدرآبادی، راجاحسن خان محمودآبادی، نویسندگان و شاعران و عالمان جنوب آسیا، آسیای مرکزی و خاورمیانه ملاقات و مراوده داشت. وی در سال ۱۸۷۵ روزنامه اوده اخبار را به زبان اردو منتشر کرد. عبدالحمید شرار (۱۸۶۰-۱۹۲۶) نول کشور را شاه کلید پیوند فرهنگی هند معرفی می‌کند. در چاپخانه منشی نول کشور این فعالیت‌ها انجام می‌گرفت: جمع‌آوری کتاب‌های قدیمی، تصحیح و ترتیب آنها، نگارش حواشی و معرفی مؤلف و مصنف؛ تهیه و تنظیم کتاب‌های درسی برای محصلان علوم دینی و دانشجوین نظام درسی جدید؛ ترجمه کتاب‌های قدیمی فارسی، عربی، و سانسکریت به اردو؛ ترجمه کتاب‌های فارسی و اردو به زبان هندی و انگلیسی.

بسیاری از عالمان دینی در تهیه و ترجمه و حواشی کتاب‌ها به منشی نول کشور یاری می‌دادند از جمله: مولانا سیدامیرعلی ملیح‌آبادی (رئیس ندوة العلماء) که فتاوی عالمگیری، هدایه و عین‌الهدایه را به اردو ترجمه و تفسیر مواهب الرحمن، شرح فتح‌الباری را تصحیح کرد و مقدمه‌ای برای سواطع مواهب الالهام فیضی نوشت. مولانا محمدحسن نانوتوی (بنیانگذار دارالعلوم دئوبند) که احیاءالعلوم غزالی و مذاق العارفین را از عربی به اردو ترجمه کرد. مولانا احتشام‌الدین مرادآبادی منتخب‌التواریخ ملابادینی را به اردو ترجمه کرد. مولانا فخرالدین کیمیای سعادت تفسیر حسینی و تفسیر قادری را به اردو ترجمه کرد. مولانا خرم علی کتاب در مختار را به اردو برگرداند.

«انجمن آسیایی کلکته»،^۱ را که یکی از قدیم‌ترین مراکز تحقیقاتی و انتشاراتی در شبه قاره است، سرویلیام جونز (۱۷۴۶-۱۷۹۴) مستشرق انگلیسی و قاضی دادگاه عالی کلکته در سال ۱۷۸۴ تأسیس کرد. هدف این انجمن مطالعات تطبیقی ادیان و گسترش و توسعه این علم در هند و روشن نمودن زوایای حیات اجتماعی و دینی مردمان آسیا بود. از سال ۱۸۴۹ بخش انتشارات این انجمن آغاز به کار کرد و مجموعه آثاری در زمینه ادبیات شرق‌شناختی، تصحیح متون و همچنین ترجمه کتاب‌های تحقیقی، فرهنگ‌نامه‌ها و کتابشناسی‌ها به انگلیسی منتشر ساخت. انتشارات جدید این انجمن از سال ۱۸۶۰ آغاز شد که در این مجموعه کتاب‌های مرجع فارسی و سانسکریت به دو زبان اصلی و انگلیسی چاپ و منتشر

شيوه‌های جدید آموزشی بود که اساس تعالیم اسلامی را بر قرآن و حدیث می‌دانست.

سرانجام پیرو سومین دوره انتخابات قانون اساسی اصلاحات (۱۹۳۵)، مسلمانان خود را در مقابل قومیت‌های ایالتی یافتند. در این هنگام محمدعلی جناح که از اعضای فعال کنگره بود، تصمیم گرفت برای مسلمانان حزبی دست و پا کند که به عنوان صدای مسلمانان وطن‌انداز شود. آن زمان که رهبران کنگره یا در زندان بودند و یا اجازه ورود به نهضت هند را نداشتند، جناح تحت‌تاثیر محمداقبال لاهوری به‌وی پیوست و در حزب مسلم لیگ به فعالیت پرداخت.

سرانجام، پیرو اتفاقات جنگ جهانی و فعالیت‌های مسلم لیگ به رهبری محمدعلی جناح، تقاضای مسلمانان برای تشکیل دولت مستقل به تصویب رسید.

وضعیت نشر دینی (اسلامی)

اولین روزنامه هند را کمپانی هند شرقی در ۱۷۸۰ در کلکته به زبان انگلیسی منتشر ساخت. با فروپاشیدن حکمرانی کمپانی هند شرقی و ظهور فضای آزاد فرهنگی و آموزشی در سال ۱۸۴۵ نخستین روزنامه در بنارس (واراناسی) به زبان هندی منتشر شد و از آن پس به شمار روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌ها افزوده شد. تقریباً صد سال بعد تعداد روزنامه‌ها به ۶۵۳، ۱۲ عنوان می‌رسید که به ۵۶ زبان منتشر می‌شد.

در این فضا، منشی نول کشور در سال ۱۸۵۸ اولین چاپخانه خود را در لکهنو به راه انداخت. درحقیقت وی پیشتاز و شکل‌دهنده نشر مدرن به زبان‌های هندی، فارسی، اردو و... بود. او در چاپخانه‌های خود که تقریباً در تمام سرزمین هند مشغول به کار بودند، بیش از ۵۰۰۰ عنوان کتاب در موضوعات مختلف به صورت سنگی به چاپ رساند. وی در حفظ میراث فرهنگی هند نقش به‌سزایی دارد، زیرا محققان، مترجمان، شاعران و عالمان دینی را در این عرصه فعال کرد؛ بسیاری از نسخه‌های خطی در چاپخانه‌های منشی نول کشور چاپ و احیا شد؛ متون کلاسیک از سانسکریت به فارسی و اردو ترجمه و چاپ گردید؛ متون کلاسیک هندوئیسم مثل اویانیشادها، مهاپهارات، بهگوت گیتا، رامایانا و متون اسلامی از جمله قرآن و تفاسیر آن، مجموعه‌های حدیثی و فقهی شیعه و سنی به زبان‌های فارسی، اردو، عربی، چاپ شدند؛ فرهنگ‌های لغت مثل برهان قاطع،



اولین صوفی پنجابی بود که سنگ‌فرش ناسیونالیسم پنجابی را بنا نهاد و هندو و مسلمان را با تمام فرقه‌های خود تحت یک لوا آشتی داد.

سیکسیسم را که بابانانک بنیاد نهاد در حقیقت مشابه نهضت بهکتی است و سرشار از همان سوز و نیایش‌های عاشقانه بهکتی و پلی میان مسلمان و هندو است. ضرب‌المثلی پنجابی در این باره می‌گوید: بابا نانک مرد خدا، معلم هندوان و پیر مسلمانان است. البته باید گفت که آموزه‌های سیکسیسم از بهکتی و اسلام جداست و ارکان خاص خود را دارد رک: A History of India, p ۱۴۰.

۲. یکی از مهم‌ترین صورت‌های توسعه سده نوزدهم تبلور مقوله اجتماعی اشراف در میان مسلمانان بود. این اشرافیت با زبان اردو و تکیه بر انساب خانوادگی تبیین می‌شد. انساب خانوادگی اشراف با القاب «سید» (نسل پیامبر)، «شیخ» (نسل یاران پیامبر)، «مغول» (طبقه نظامی ترک

می‌شد و این روند تحقیقاتی تا به امروز نیز ادامه یافته است.

علی‌رغم مبارزات و کوشش‌هایی که برای حفظ موارث اسلامی در هند در اواخر سده هجدهم و اوایل سده نوزدهم انجام می‌گرفت دایره فعالیت‌های اسلامی روز به روز محدودتر می‌شد. زبان اردو به زبان رسمی مسلمانان تبدیل شد و برای حفظ آن «انجمن ترقی اردو» در سال ۱۹۰۳ به وجود آمد. علمای اسلام شبه‌قاره چون علامه شبلی نعمانی و مولوی عبدالحق در این انجمن به فعالیت فرهنگی و چاپ و نشر کتاب‌های اسلامی پرداختند. بعد از استقلال هند و جدایی پاکستان این انجمن دو قسمت شد. یک قسمت به پاکستان انتقال یافت و قسمت کوچک آن در هند باقی ماند. فعالیت بخش پاکستان انجمن ترقی بیش از بخش هند است. قسمت معتاب‌هپی از نسخ خطی این انجمن به پاکستان منتقل شده و آنچه امروز در هند است، دفتر کوچکی است که اثری از فعالیت‌های پیشین آن که زبان گویای اسلام در شبه‌قاره بود، باقی نمانده است.

بیشتر مدارس علمیه مانند ندوة العلماء، دارالعلوم دئوبند و دارالعلوم بریلوی، چاپخانه داشتند و آثار خود راه شامل کتاب‌های درسی مورد نیاز و کتاب‌های تحقیقی محققان این مدارس، منتشر می‌ساختند.

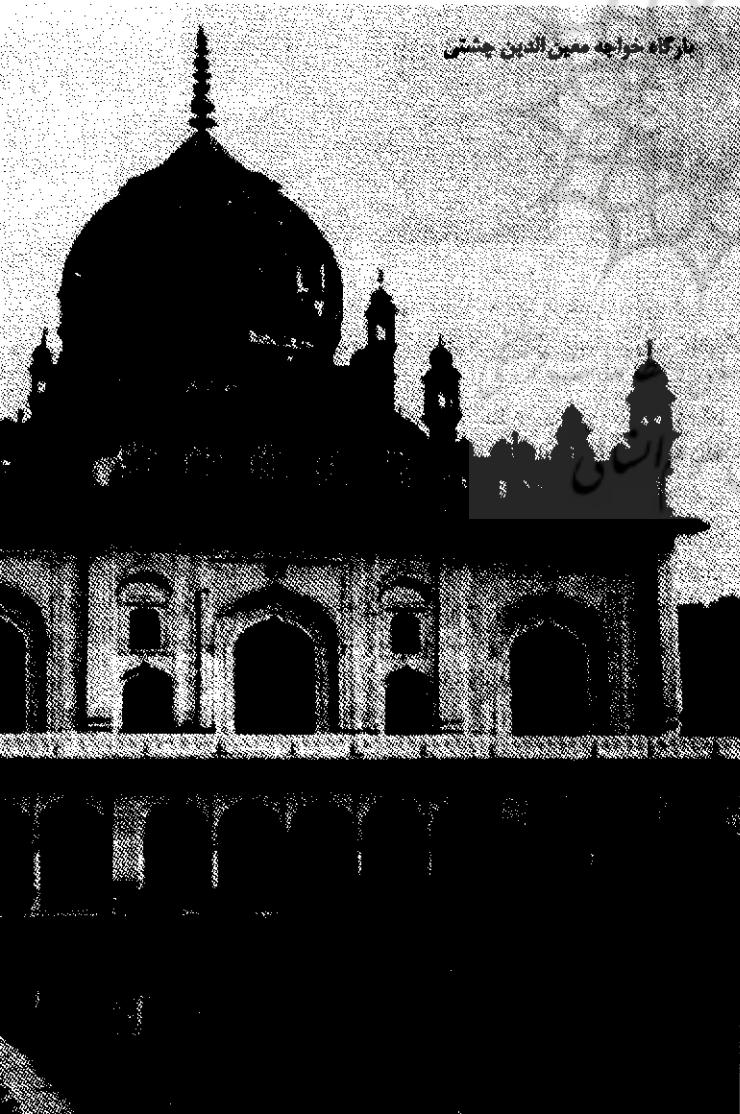
امروز از شور و شوق سال‌های ۱۸۵۷-۱۹۴۷ خبری نیست. هند هنوز کشور هزار مذهب نامیده می‌شود و فرهنگی سنتی، چه در میان هندوان و چه در میان مسلمانان جریان دارد اما دنیای امروز دنیای سیطره اقتصاد است. هند نیز از این جریان به دور نیست و آنچه در شریان‌های زندگی پرتب و تاب هند جاری است فناوری و اقتصاد است. علمای اسلام از لحاظ علمی و نفوذ مردمی بسیار ضعیف‌اند و اسلام پویای آن سال‌ها حداکثر به تحقیقات اسلامی بدل شده است و بیشتر جنبه تایخی دارد.

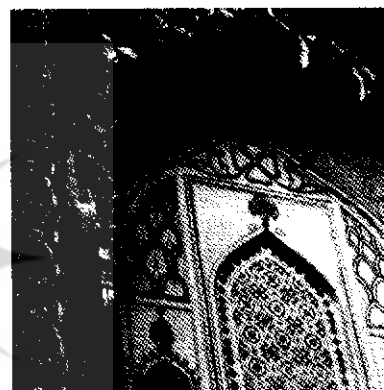
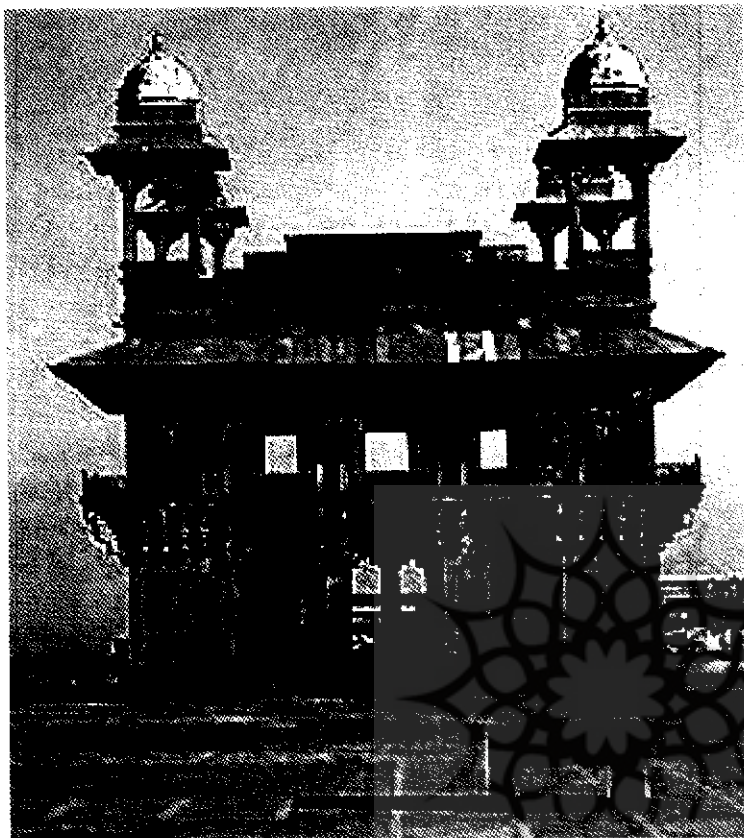
پی‌نوشت‌ها:

۱. نهضت بهکتی (۸۰۰-۱۷۰۰ م) در حقیقت برای اصلاح عبادات میان هندوان و مسلمان بود. بهکتی مأخوذ از لغت بهکت به معنای عشق و محبت و در اصطلاح مذهبی به معنای پیوستن به خدا از طریق شناخت صفات و وحدانیت اوست. این واژه در اوپانیاشاد به معنای عشق و رهایی از خویشتن آمده است.

نهضت بهکتی در حقیقت در قرن ششم میلادی در تامیل نادو در جایگاه بهمنیسم آغاز شد. در قرن نهم هجری به طور رسمی گسترش یافت و از شمال تا جنوب هند را گرفت. آموزه‌های بهکتی در شمال هند که عرصه صوفیان چشتیه بود با مخالفت خاصی روبه‌رو نشد و هماهنگ با اعتقاد مسلمانان پیش رفت و شیخ فرید شکرگنج (۶۶۴ ق / ۱۲۶۵ م)

بارگاہ خواجه معین الدین چشتی





۱۸۷۵ کالج انگلو - اورینتال (Anglo-Oriental) نیز ضمیمه مدرسه شد. سیداحمدخان مدیریت آنجا را خود به عهده گرفت و تئودور موريسن (Theodor Morison) دستیار وی بود. این کالج به دانشجویان مسلمان منحصر نبود اما از همان آغاز به عنوان دانشگاه مسلمانان معرفی شد و برنامه آموزشی آن صرفاً موضوعات دینی بود که بعدها طب یونانی، مهندسی و علوم پایه نیز بدان افزوده شد. برنامه درسی کالج علیگره برنامه درسی کیمبریج را الگو قرار داد، یعنی همخوان با روش‌های جدید غربی با هدف احیای موارث گذشته و حفظ آنها. رک: The Reform and Religious Idea of sir sayyid Ahmad Khan, J. m. s.

Baljon. Encyclopedia of Islam)

۵. هندوان نیز برای مقابله با کالج علیگره، به اقدام مشابهی دست زدند و دانشگاه بنارس (Vranasi) را که صرفاً به هندوان متعلق بود تأسیس کردند. در این دانشگاه نیز با الگوی برنامه درسی غربی تدریس می‌شد و دانشجویان مسلمان اجازه ورود به این دانشگاه را نداشتند.

۶. دارالعلوم دتویند را در محرم سال ۱۸۶۷/۱۲۸۲ در مسجد چهنا، مولانا محمد قاسم نانوتوی و چند تن از علمای دیگر به نام مولانا فضل‌الرحمن عثمان، مولانا ذوالفقار علی دتویندی و حاجی محمدعابد حسین بنیاد گذاشتند. مولانا محمدقاسم نانوتوی شاگرد مولانا مملوک علی نانوتوی، استاد سیداحمدخان است. دتویند با هفت هدف تأسیس شد:

و مغول)، «پتان» (طبقه نظامی افغان) تعریف می‌شد. در این قرن با تحصیلات رایج بریتانیایی در شبه‌قاره، در کنار طبقه اشراف، طبقه تحصیل کرده نیز قرار گرفت.

رک: Islamic Modernism in India and Pakistan,

1857-1964. Ahmad Aziz, London 1967. p 123.

۳. تلاش‌های داراشکوه برای ایجاد فضای روشنفکری، توقع هندوان و رویکرد مسلمانان را به دین تا حدودی دیگرگون کرد و با آمدن اورنگ زیب (۱۶۵۸-۱۷۰۷) این قضا تا حدودی محدود و احساسات دینی هندوان جریحه‌دار شد. سیاست‌های اورنگ زیب به قدرت امپراتوری مغول و درحقیقت به پیکره قدرت مسلمانان شبه قاره آسیب رساند. شاه ولی الله دهلوی (۱۷۰۳-۱۷۶۲) در این قضا کوشید قدرت سیاسی، مذهبی و صوفیانه گذشته را بازگرداند.

۴. سیداحمد خان (۱۸۱۷-۱۸۹۸) تحصیل کرده‌ای اصلاح طلب و بنیان گذار اسلام مدرن در هند. وی شاگرد مولانا مملوک علی نانوتوی تربیت یافته شاه عبدالعزیز (شاه عبدالعزیز جانشین شاه ولی الله دهلوی است) بود. جد پدری احمدخان از مهاجران ایرانی بود که در زمان شاه جهان به هند نقل مکان کرد و به دربار شاه پیوست. سیداحمدخان در سال ۱۸۷۱ با کمک برخی از فرهیختگان هندو و مسلمان مدرسه پسرانه‌ای تأسیس کرد که خط مشی آن کم و بیش انگلیسی بود. در سال



خان بود (در حال حاضر ندوه کتابخانه بزرگی دارد که حدود ۶۵۰ هزار کتاب چاپی و ۳۰۰۰ نسخه خطی از آن سالها در آنجا باقی است) این مدرسه خود دستگاه چاپ داشت که علاوه بر منابعی درسی خود بیش از ۲۵۰ عنوان کتاب در زمینه مطالعات اسلامی به زبانهای عربی و انگلیسی منتشر کرد.

طلاب در ندوة العلماء ۵ سال سطوح مقدماتی و ۵ سال سطوح متوسطه میخوانند و بعد از ۴ سال عربی خواندن به درجه عالمیه می‌رسیدند و بعد از ۲ سال مطالعه و گذراندن پایان نامه کوچکی به درجه فضلیه که درجه تخصص در ادبیات عرب و فقه بود می‌رسیدند. دارالعلوم مانند مدارس دیگر در شبه‌قاره برای طلاب علوم رایگان بود و مخارج مدرسه از زکات مسلمانان تأمین می‌شد. به تدریج مدارک علمی این مدرسه را بخش‌های مطالعات اسلامی و عربی دانشگاه‌های هند می‌پذیرفتند. ندوة العلماء در دهه هفتاد و هشتاد بسیار پیشرفت کرد و با حیات روشنفکری مسلمانان هند درآمیخت (برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به: تاریخ ندوة العلماء، محمداسحاق جلیس ندوی و شمس تبریزخان، لکنهو، ۱۹۸۳)

9- Munshi Nawal Kishor.

10. Culcutta Asiatic Society.

کتابشناسی

منابع اردو

بیس بری مسلمان، عبدالرشید ارشد، لاهور ۱۹۶۹؛ علماء حق کی مجاهدانه کارنامہ محمدمیان، مرادآباد؛ تاریخ ندوة العلماء، محمداسحاق جلیس و شمس تبریزخان، لکنهو، ۱۹۸۳؛ تاریخ دثوبند سیدمحبوب رضوی، دهلی ۱۳۷۳؛ انوار قاسمی، انوارالحسن قاسمی، ۱۹۵۸؛ تذکره مشایخ دثوبند، مفتی عزیزالرحمن، کراچی، ۱۹۶۴.

منابع انگلیسی:

A History of India Hermann Kulke and Dietmar Rothermund, Routledge, london.1991; Indian muslims, Mohammad Mujeeb, London, 1967; Aligarh's first Generation: muslim solidarity in British, Ilyveld, David, Prinecton, 1977; Empire and Islam: Punjab and Making of pakistan, Gilmatin David, Berkly, 1988; Islamic modernism in India and Pakistan, 1857-1964, Ahamd Aziz London, 1967; Nationalism and Communal Politics in India, 1885-1930, mushirul Hassan, Delhi 1979; The Reforms and Religion India of sir sayyid Ahamd khan, J. m. s. Baljon; Encyclopedia of Islam.

آزادی از استعمار و اعتلای کلمه حق؛ ایجاد جمهوری مسلمانان؛ حفظ و حراست از روش شاه ولی الله دهلوی؛ ارتباط مسلمانان برای خاتمه دادن به استبداد؛ احیای علوم دینی؛ تدریس صحیح علوم عقلی؛ و تربیت و پرورش علما برای رویارویی با علوم جدید.

این مدرسه سه گونه مختلف از دروس مدارس دینی را در خود جمع کرد: مدارس دینی دهلی که بر تفسیر و حدیث تأکید داشتند؛ مدارس لکنهو که فقه اساس کار آنها بود؛ و مدارس خیرآباد که فلسفه و کلام در آنها تدریس می‌شد. مدرسه دثوبند، براساس روش شاه ولی الله دهلوی، برنامه درسی مستقلی را پی ریخت که در همان سالها سرمشق مدارس دینی دیگر قرار گرفت. هم‌اکنون این مدرسه دارای یک مسجد، کتابخانه و سالن‌های بزرگ برای مباحث درسی است. کتابخانه آن حدود ۶۷ هزار عنوان کتاب خطی و چاپی به زبان‌های فارسی، اردو و عربی دارد (برای اطلاع بیشتر نگاه کنید: تاریخ دثوبند، سیدمحبوب رضوی، دهلی ۱۳۷۳؛ انوار قاسمی، انوارالحسن قاسمی، دثوبند، ۱۹۵۸؛ تذکره مشایخ دثوبند، مفتی عزیزالرحمن، کراچی، ۱۹۶۴)

۷. میرزا غلام احمد پنجابی در میان مسلمانان ادعای مهدویت و در میان مسیحیان ادعای مسیح و در میان هندوان ادعای جلوه کریشنا (اواتار) می‌کرد. وی فرقه‌ای صوفیانه‌مآب تشکیل داد. اعضای این فرقه کوچک از تحصیل کردگان و مبلغان خوبی بودند که به نام فرقه احمدیه ظاهر شدند و به دلیل انکار خاتمیت پیامبر اسلام، در سال ۱۹۷۴ از طرف نمایندگان ملی پاکستان غیرمسلمان شناخته شدند.

رک: Nationalism and communal politics in India,

1885-1930, Delhi 1979.

۸. ندوة العلماء در سال ۱۳۱۰ ق / ۱۸۹۲ م در شمال هند در شهر کانپور به منظور اصلاح در نظام آموزشی مسلمانان تاسیس شد و در سال ۱۳۱۶ / ۱۹۸۹ به لکنهو منتقل شد. این نظام آموزشی ترکیبی از دروس جدید و قدیم بود که به منظور دور کردن فرقه‌های اسلامی از نزاع و کشمکش و سرمشق قرار دادن آن برای مدارس دیگر طراحی شده بود. بعد از وقایع سال ۱۸۵۷ میلادی و ناخوشایندی مسلمانان از رفتار انگلیس، مسلمانان در صدد تأسیس مدارس خصوصی برآمدند که منحصرآ به آموزش دینی می‌پرداخت. نخستین مدرسه، قاسم‌العلوم (دارالعلوم فعلی) بود که در سال ۱۸۶۵ در شمال هند تاسیس شد. به تبع آن مدارس دینی دیگر در هند تاسیس گردید. این روند به زودی متوقف شد و یکی از عوامل مهم این توقف شبلی نعمانی بود. براساس نهضت جدید اصلاح نظام دولتی (اصلاح نساب) تدریس متون درسی قدیمی محدود شد و به جای آن دروس تاریخ، جغرافیا، ریاضیات به زبان انگلیسی تدریس می‌شد، به علاوه انگلیسی جای اردو و فارسی را گرفت. مسلمانان در سال‌های نخستین از این روند ناراضی بودند و در مخالفت با این روند به چاپ جزواتی پرداختند که شکل دیگری از نهضت علی‌گره سیداحمد